

مقوله‌بندی مؤلفه‌های سازمان‌دهنده به ته‌رنگ مساجد سنتی مراکش

محسن اکبرزاده

پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه هنر اصفهان

mohsenplasma@gmail.com

چکیده

مروری بر تجارب طراحی و ساخت مساجد در پهنه کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که حتی در عناصر تقریباً مشترک مانند حیاط‌های مرکزی، تفاوت‌های جدی و بنیادین وجود دارد. شاید مرور تصاویر بتواند تمایز و تشابه آرایه‌ها را بازنمایی کند، اما آنچه باعث تفاوت در گونه‌های معماری می‌شود، ته‌رنگی است که به تمام این تمایزات ظاهری صورت بخشیده‌است. مساجد مراکش برای مخاطب ایرانی از آن نظر قابل توجه به نظر می‌رسد که بدون نشانه‌هایی چون گلدسته‌های جفت و ایوان‌های عمیق، تنها با شبستانی در کنار یک مناره مکعبی‌شکل، توانسته‌اند الگویی پایدار و پذیرفته شده در تجربه خلق فضاهای عبادی اسلامی به شمار آید. از این نظر توجه به تمایزات ته‌رنگ این مساجد می‌تواند وضعیت‌هایی را تبیین کند که بستر بروز و یا گاهی تحت تأثیر این عناصر ظاهری متمایز خلق شده‌است. از این رو در این مقاله تنها به بررسی مؤلفه‌هایی می‌پردازیم که به ساختار کلی مسجد شکل داده‌اند و رجوع به اجزاء نیز تنها با هدف شناخت این کل صورت گرفته و بررسی موضوعی اجزا در دستور کار نیست. از این رو با بررسی ساختار هندسی ته‌رنگ، نحوه مواجهه مسجد با بافت شهری، جانمایی مناره‌ها و رابطه صحن‌ها و شبستان‌ها به این کلیت تعیین می‌بخشیم.

واژگان کلیدی

مسجد، ته‌رنگ، مراکش، قبله، مناره.

مقدمه

هیچ بنایی در سپهر معماری اسلامی به اندازه مسجد نمی‌تواند خود را از مؤلفه‌های سرزمینی رها کند و شاید بتوان از روی تشابهات بیشتری که در سبک‌های مختلف دارد، حوزه‌های اشتراکی سنت‌های مختلف معماری اسلامی را بهینه‌تر دریافت. از سوی دیگر اهتمام دولت‌ها و مردم در ساخت مساجد با شکوه سبب شده‌است بتوان بنای یک مسجد راه از سرامدان معماری عصر خود در آن سنت خاص به شمار آورد (Uddin khan, 1990: 119) که این مورد نیز به تثبیت این جایگاه ویژه کمک می‌کند. نتیجه اینکه برای فهم معماری مراکش، فهم مساجد مراکش می‌تواند به صورت‌بندی یافته‌های متکثر درباره این سنت معماری اسلامی یاری برساند (Ewert, 1984: 148). وقتی به معنای دقیق کلمه از معماری به مثابه سازماندهی فضا سخن می‌گوییم، درک الگوها و

تبیین مؤلفه‌های موثر بر طرح تهرنگ مساجد سنتی مراکش پرسش هر کدام از مؤلفه‌های چهارگانه حاصل از پیمایش میدانی، چگونه بر طرح تهرنگ مساجد سنتی مراکش اثر می‌گذارد؟

هدف

تبیین مؤلفه‌های موثر بر طرح تهرنگ مساجد سنتی مراکش پرسش

هر کدام از مؤلفه‌های چهارگانه حاصل از پیمایش میدانی، چگونه بر طرح تهرنگ مساجد سنتی مراکش اثر می‌گذارد؟

فرضیه‌ها

- به نظر می‌رسد که رعایت کشیدگی صفوف نماز عمود بر محور قبله، سبب کشیدگی در شبستان‌های مساجد مراکشی به عنوان رویه غالب شده‌است.
- به نظر می‌رسد که اختلاف زاویه میان بافت شهری و محور قبله، سبب ایجاد پلان‌های دوزنقه در شبستان‌ها، فضاهای مثلثی میانجی در داخل مسجد و یا گشودگی‌های مورب در جلوخان آن، و یا در مساجد بزرگتر ترکیبی از همه این موارد شده‌است.
- به نظر می‌رسد که محل قرارگیری مناره‌ها در تهرنگ مساجد مبتنی بر ضرورت‌های منظرین، در گشودگی‌های جلوخان مسجد یا به عنوان دستگاه ورودی و یا در مساجد روی بستر شیب‌دار به سمت دید فرودست تنظیم شده‌است.
- به نظر می‌رسد که نقش عبادی صحن‌ها سبب اثرگذاری بر تناسبات و هندسه تهرنگ مساجد سنتی مراکش می‌شود.

روش تحقیق

در این تحقیق کیفی مبتنی بر تعریف هیلن براند از مساجد عربی، ویژگی‌هایی برای مساجد مراکشی به عنوان پیش فرض مطرح شد که پس از پیمایش میدانی با تأیید نظر اولیه همراه بود. در این مرحله چهار مؤلفه شکل‌دهنده به این کیفیت مورد شناسایی قرار گرفت که چگونگی رابطه آن‌ها با سبک مساجد مراکشی مورد پرسش و مذاقه قرار گرفت و هر کدام به دسته‌بندی‌ها و ریزمؤلفه‌های دیگری تقسیم شد که تبیین آن‌ها، هدف اصلی

مقاله را تأمین می‌کند.

ساختار هندسی تهرنگ

در همان آیه نخستین سوره صافات خداوند چنین سوگندی می‌خورد:

«سوگند به صف بستگان (در صفوفی منظم) صف بستنی»

تفسیر این آیه توجه ما را به اهمیت صف و کیفیت آن جلب می‌کند. اینکه برای بیان کیفیت صف از خود این واژه قید استخراج شده نشان می‌دهد، صف بستن علاوه بر شکل ظاهری، کیفیتی تشدیدشونده دارد. در بیان این تشدید نیز در سوره صف در آیه ۴ آمده است که:

«در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف،

چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند، جهاد می‌کنند»

این آیه ویژگی صفوف را پیوستگی توصیف کرده‌است. لذا بدیهی است که گسست در صفوف جز آنکه به لحاظ شرعی اتصال را از بین می‌برد، ماهیت و معنای بنایی یک پارچه و ریخته‌گری شده را نیز از بین می‌برد. در آیات ۱۶۵ و ۱۶۶ سوره صافات نیز ویژگی صف بستن در کنار تسبیح گفتن آمده‌است:

«و این ما هستیم که (برای اطاعت فرمان خداوند) صف کشیده‌ایم.

و این مائیم که تسبیح‌گوی (خداوند) هستیم»

از رسول خدا احادیث بسیاری در باب صفوف نماز بیان شده‌است:

«اگر مردم می‌دانستند چه فضیلتی دارد اذان گفتن و شرکت در

صف اول جماعت، هر آینه برای این کار قرعه‌کشی می‌کردند»

«صف‌های نماز جماعت رامساوی کنید، پس همانا که مساوی کردن

صف‌ها، کامل‌کننده نماز است» (مجلسی، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

رسول خدا (ص) شانه‌های نمازگزاران را در نماز جماعت می‌گرفت و منظم می‌کرد و می‌فرمود: مساوی و منظم باشید، نامنظم و جدا از هم نباشید که قلب‌های شما از یکدیگر جدا می‌شود (بروجردی،

۱۳۹۰: ۴۷۰).

قبله در نوار جنوبی و غربی سواحل مدیترانه با دشواری‌های مضاعفی همراه بوده اما پافشاری و اصرار معماران مراکشی بر حفظ این قاعده جالب توجه است (Rius-Pinie's, 2015: 157). چنین است که مروری بر پلان‌های مساجد در مراکش نشان می‌دهد اصلی‌ترین فضای مسقف مسجد، شبستان سمت قبله بوده و کشیدگی این شبستان معمولاً عمود بر محور قبله است و از فضاهای دیگر شبستانی برای بانوان و یا عبادات انفرادی و قرائت قرآن استفاده می‌شود.

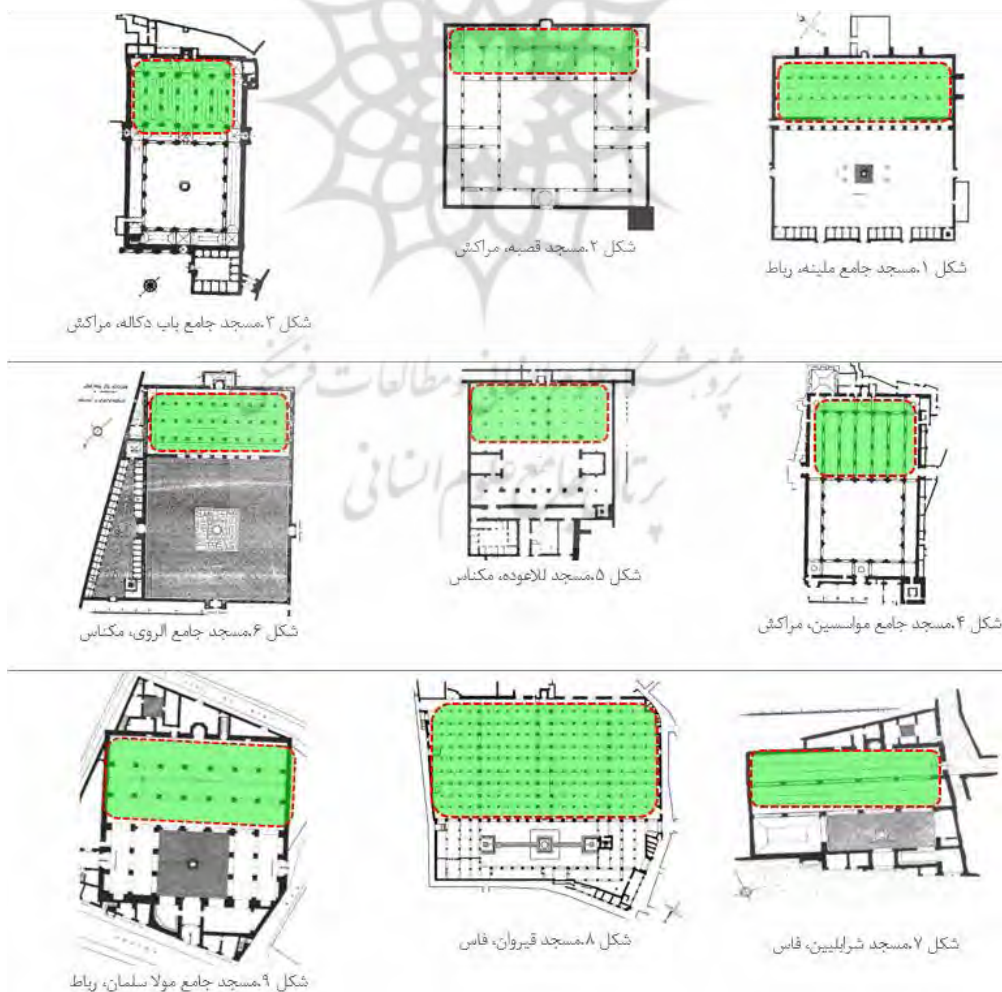
هیلمن براند نیز بر این گزاره صحه می‌گذارد که برخلاف گونه مساجد ایرانی و عثمانی، مساجد مراکش به عنوان نمونه‌ای از مساجد عربی، پیکره اصلی‌اش شبستانی کشیده، عمود بر محور قبله است (هیلمن براند، ۲۰۰۷: ۱۳۸۷)؛ (شکل ۱-۹).

در معرض بافت شهری

منطقه‌ای به نظر می‌رسد که جهت‌گیری مساجد به سمت قبله در کنار جهت‌گیری بافت‌های شهری که الویت‌های دیگری در جهت‌گیری دارند با تعارض همراه باشد. مسئله اصلی در نحوه

چند نکته اصلی از متن این احادیث قابل برداشت است. نخست فضیلت صف اول نماز، دوم پیوستگی صفوف و سوم آنکه پیامبر(ص) صف را در ارتباط شانه‌ها با یکدیگر تعریف می‌کند و بر وجه عرضی صفوف تاکید می‌ورزد. فضیلت صف اول سبب شده است که با انتخاب شکل مربع در هندسه مسجد، ضلعی که در برابر دیوار قبله قرار گرفته، بیشترین طول ممکن را در اختیار صف اول نماز قرار دهد (علی آبادی، ۱۳۸۰: ۵۵۶ و قرائتی، ۱۳۷۸: ۴۲۷ و توسلی، ۱۳۷۸: ۱۷۲). از بین دو سیاست ممکن برای سازماندهی صفوف نمازگزاران، یکی آن است که طول صف‌ها کم و تعداد صفوف اضافه شود و دیگری آن است که با طولانی کردن صفوف تعداد آن‌ها را کاهش دهند. انتخاب رسول خدا که مبتنی بر اصل قبله و هندسه خالص صورت گرفته است شرایط را با عرضی کردن صفوف نسبت به محور قبله و ایجاد صف اول طولانی‌تر الویت‌بندی کرده است.

این رویکرد بر خلاف بسیاری از مساجد ممالک دیگر اسلامی از جمله ایران، در مساجد مراکش به چشم می‌آید. هرچند ردیابی



مأخذ: وزارت اوقاف و شئون اسلامی مراکش، ۲۰۰۷

بسیار متنوعی از این اختلاف رویکرد در گرداگرد مسجد پدید می‌آید که عمده آن‌ها به عنوان زوایایی برای خلوت و یا به عنوان فضای خدماتی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (شکل ۱۲-۱۷).

جانمایی و عرصه ادراکی مناره‌ها

مناره‌های مساجد در مراکش تحت تأثیر الگوی مناره‌های اندلسی و حتی فراتر از آن کل اروپای غربی قرار می‌گیرد که متشکل از برجی طبقاتی است که با مقطع ثابت مربع ارتفاع یافته‌است. این مناره‌ها در ناحیه اندلس و در کلیساهای برخی فرقه‌های مسیحی ناحیه اندلس به عنوان فضایی جهت تجمد و رهبانیت مورد استفاده قرار می‌گرفته‌است که پیامد آن را می‌توان در عبارتی که مردم مراکش برای نام بردن از مناره‌ها به کار می‌برند مشاهده کرد. در ادبیات رایج مراکش به این مناره‌ها، صومعه گفته می‌شود. هرچند این صومعه‌ها در برخی مساجد کوچکتر که تنها به یک دستگاه پله جهت صعود مؤذن تبدیل شده‌است دیگر دارای عملکرد پیشین نیست اما از همان حیثیت برخوردار بوده و به تقریب می‌توان پذیرفت که هیچ مسجدی در مراکش بدون چنین مناره‌ای قابل تصور نیست. اما مکان‌یابی مناره‌ها در تهرنگ مسجد دارای سه حالت متمایز است (Saoud, 2004: 5).

در حالت اول با توجه به مطلبی که پیش‌تر گفته شد، مثلث حاصل از تعارض محور قبله و محور بافت شهری، به فضای معبر اضافه شده و یک دوزنقه در تهرنگ کوچه ایجاد می‌کند. نظر به فشردگی بافت مدینه‌ها در مراکش این دوزنقه عرصه ادراکی بسیار مناسبی برای جلوه‌گری مناره ایجاد کرده و در نتیجه محل قرارگیری مناره در پلان با توجه به قرار گرفتن آن در محور دید عابرین در گشایش ایجاد شده میان مسجد و بافت تنظیم می‌شود (تصویر ۱).

حالت دوم نوعی فرعی از حالت اول است که مناره خود به عنوان دستگاه ورودی عمل کرده و یا چسبیده به دستگاه ورودی، نمایانگر مدخل مسجد قرار می‌گیرد (تصویر ۲).

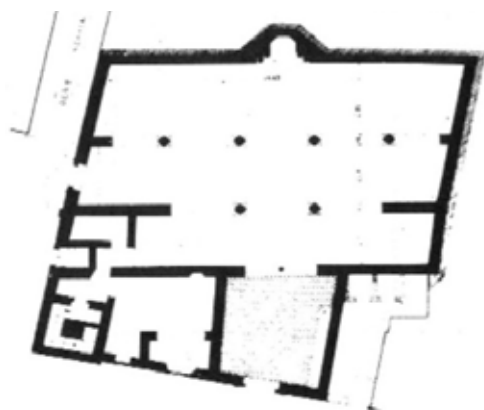
حالت سوم اما به مساجدی باز می‌گردد که در روستاها و حوزه‌های

پرداختن به این تعارض و استهلاک زاویه انحرافی شکل گرفته میان محور قبلی و محورهای شهری دیگر است (Bonine, 1990: 50). در اینجا چهار رویکرد قابل ملاحظه است.

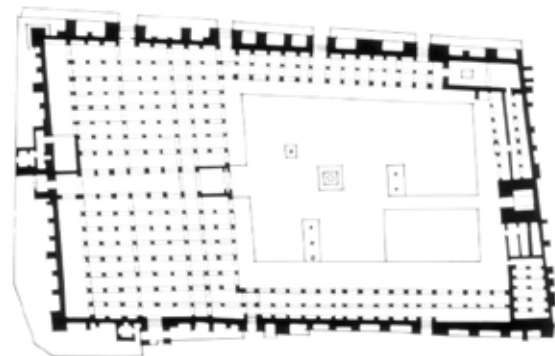
ساده‌ترین برخورد ممکن آن است که این زاویه انحرافی با اصالت بخشیدن به تعیین فضایی محورهای شبستانی، به صحن مسجد انتقال یافته و با دوزنقه‌کردن تهرنگ صحن، تعارض بر طرف شود که در بسیاری از مساجد حتی گاهی بزرگ ناحیه اندلس و یا خود مراکش قابل مشاهده است (شکل ۱۰).

در رویکرد دوم این تعارض با اصالت دادن به تعیین هندسی فضای صحن مسجد، فشار را بر فضاهای مسقف شبستانی وارد کرده و با ایجاد دوزنقه‌ها و یا مثلث‌هایی در آن جبهه از شبستان که در جوار معبر قرار می‌گیرد این اختلاف زاویه جبران می‌شود (شکل ۱۱).

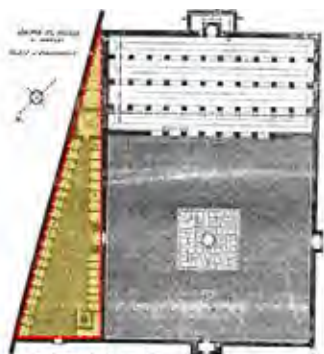
رویکرد سوم رایج‌ترین شیوه‌ای است که چه در شهرهای بزرگ و چه در مدینه‌های شهرهای کوچک مراکش برای مساجدی با مقیاس‌ها و اهمیت‌های شهری گوناگون مورد استفاده است. در این حالت هم صحن مسجد تعیین هندسی خود را حفظ می‌کند و هم شبستان دارای فضایی خالص است، لذا مثلثی که حاصل از تعارض زوایاست به عنوان یک فضای افزوده به معبر میانجی بافت اضافه شده و یک پلان دوزنقه‌ای ایجاد می‌کند. گاه نیز این مثلث در کنار یک بنای دیگر حاصل می‌شود که نتیجه به صورت یک حیاط کم استفاده خدماتی، انباری و یا با ایجاد یک دسترسی ضعیف به عنوان یک مدخل غیر رسمی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که این حالت آخر در رویکرد سوم به کمال می‌رسد و در ورودی از یک منفذ به یک فضای مفصل ارتقاء یافته و دستگاه ورودی مسئولیت این چرخش را به عهده می‌گیرد (Bonine, 1990: 59). اما در بسیاری از موارد در مساجد بسیار بزرگ که خود به عنوان کانون بافت شهری عمل می‌کنند و به عنوان یک قطاع شهری محصور در بین معابر متعدد و یا ابنیه دیگر هستند، ممکن است طراحان در هر جبهه، بنا به ضرورت، رویکردهای مختلف و متنوعی را برای حل مسئله به کار گیرند که در این صورت ریزفضاهای



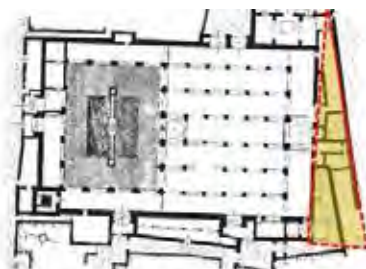
شکل ۱۱. مسجد جامع نخله، رباط
مأخذ: وزارت اوقاف و شئون اسلامی مراکش، ۲۰۰۷.



شکل ۱۰. مسجد جامع قیروان، تونس.
مأخذ: وزارت اوقاف و شئون اسلامی مراکش، ۲۰۰۷.



شکل ۱۴-مسجد جامع الرومی، مکناس



شکل ۱۳-مسجد جامع کبیر، قاس جدید



شکل ۱۲-مسجد جامع کبیر، ریاط



شکل ۱۷-مسجد جامع مولانا سلطان، ریاط



شکل ۱۶-مسجد قر اوین، قاس



شکل ۱۵-مسجد شراشبین، قاس

مأخذ: وزارت اوقاف و شئون اسلامی مراکش، ۲۰۰۷.



تصویر ۲. مسجد مسیر چشمه سیدعلی، شفشان.
 عکس: محسن اکبرزاده، ۱۳۹۵.

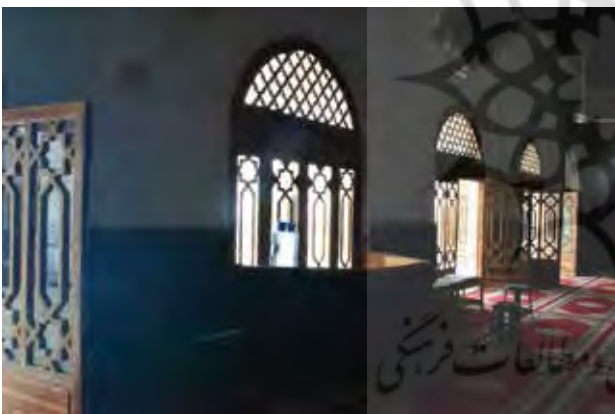


تصویر ۱. رابطه مناره و دید عابر در پلان مساجد متعدد از جمله مسجد جامع
 تطوان. عکس: محسن اکبرزاده، ۱۳۹۵.

استفاده از درختچه‌های نارنج به مثابه یک نارنجستان پوشیده‌تر شده فضای زنانه و بقیه صحن‌ها تنها به حوضی در میانه اکتفا کرده‌است (تصویر ۷-۹).^۲



تصویر ۳. مسجد در قریه ای بین راهی، دادس. عکس: محسن اکبرزاده، ۱۳۹۵.



تصویر ۴. محراب میانجی میان صحن و شبستان، تلوان. عکس: محسن اکبرزاده، ۱۳۹۵.

زیستی کوچکتر بر روی شیب کوه‌ها و تپه‌ها قرار گرفته و با توجه به نقش مضاعفی که در مقام یک نشانه منطقه‌ای ایفا می‌کنند، ضرورت دارد تا از جلوه کاملی برخوردار باشند. در این مساجد مناره نه با توجه به تهرنگ و مقطع افقی، بلکه با توجه به مقطع عمودی جانمایی شده و در جبهه‌ای قرار می‌گیرد که در سمت دره واقع می‌شود. بدین شکل پیکره مناره بدون پوشیده شدن توسط خود بنای مسجد کامل‌تر به دید می‌آید (تصویر ۳).

هندسه و تناسبات صحن

در شریعت اسلامی چه در میان اهل سنت و چه شیعه، اولاً آن است که نماز در فضای باز خوانده شود. از این رو صحن مساجد در مراکش که مفروش به موزائیک‌های رنگی است می‌تواند فراتر از یک صحن توزیع‌کننده جمعیت و یک فضای عبور، به عنوان یک فضای حضور نقش ایفا کند، لذا وضعیت هندسی تهرنگ صحن‌ها با تهرنگ شبستان‌ها قابل تطبیق است. شاهدهی که بر این مدعا صحنه می‌گذارد آن است که به تقریب در تمامی صحن‌های مساجد، در ضلع اتصال صحن به شبستان سمت قبله، فضایی همانند محراب در فضای باز تعبیه شده بود تا بتواند سامان‌دهنده برپایی نماز در صحن روباز مسجد باشد. به حاشیه رفتن فضای وضوخانه و سقایه‌ها در این مساجد و خالی کردن صحن از عنصر مزاحم نیز در همین راستا قابل ارزیابی است که در شماری از مساجدی که دارای چنین محرابی بودند، دیده می‌شود. به عبارت دیگر، صحن به عنوان فضای نماز طراحی شده نه به عنوان حیاط مجموعه (تصویر ۴).

صحن مساجد در مراکش همواره به صورت یک مستطیل کامل و تقریباً با کشیدگی عمود بر محور قبله دیده می‌شود. نظر به سیاست افزایش فضای عبادت که شبستان سمت قبله را توسعه می‌دهد، اگر این توسعه رو به داخل صحن صورت پذیرد و یا حتی در جبهه قبلی و محراب اتفاق بیفتد، در هر دو حالت صحن از مرکز هندسی کلیت مسجد به سمت مخالف قبله عقب نشینی می‌کند (Roser-Own, 2014: 174)؛ (تصویر ۵).

هرچند صحن پیکره‌ای مستطیلی شکل دارد ولی در عمده موارد با قرار گرفتن سقایه‌های مسقف در کناره‌ها و یا محراب‌های روباز در جبهه قبلی، اضلاع این مستطیل با شکست‌های هندسی مواجه می‌شود (تصویر ۶).

اما در مواردی نیز این شکست‌ها تا جایی پیش می‌روند که در صحن، فضاهای فرورفته و مجزا ایجاد می‌کنند که جامع‌ترین نمونه آن مسجد مولای یزید در شهر مراکش است (شکل ۱۸).

دو بازوی جدید شبستانی از اضلاع طولی صحن به سمت مرکز صحن حرکت کرده و تا نیمی از مسیر راه آمده‌است. در نتیجه چهار فرورفتگی در صحن ایجاد شده که بعد با یک طاق نمای جداکننده، چهار صحن متصل به باقی‌مانده صحن اصلی ایجاد می‌کند. یعنی مسجدی با پنج صحن. یکی از این صحن‌ها که با



تصویر ۷. صحن فرعی مسجد مولای یزید، مراکش.
 عکس: محسن اکبرزاده، ۱۳۹۵.



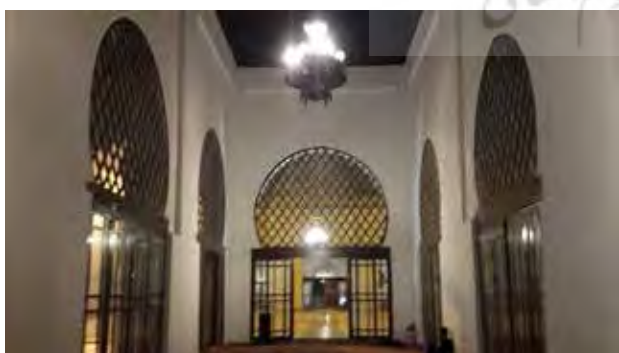
تصویر ۵. عدم انطباق مرکز هندسی مسجد و صحن در مسجد قراوین-فاس
 مأخذ: وزارت اوقاف و شئون اسلامی مراکش، ۲۰۰۷.



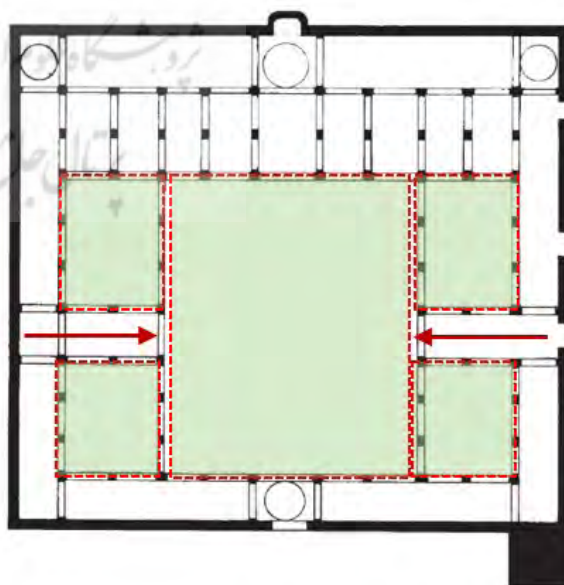
تصویر ۸. صحن اصلی مسجد مولای یزید، مراکش
 عکس: محسن اکبرزاده، ۱۳۹۵.



تصویر ۶. سقايه های مسجد قراوین، فاس
 عکس: محسن اکبرزاده، ۱۳۹۵.



تصویر ۹. شبستان پیش آمده مسجد مولای یزید، مراکش
 عکس: محسن اکبرزاده، ۱۳۹۵.

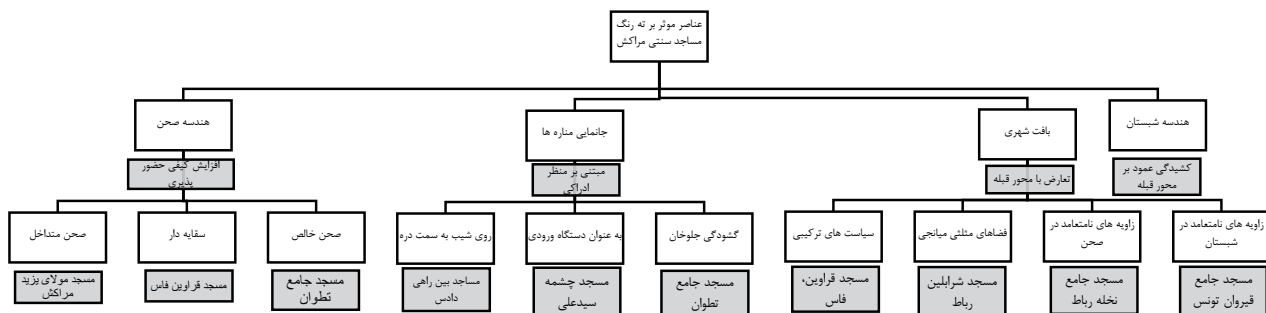


شکل ۱۸. مسجد مولای یزید (قصبه)، مراکش
 مأخذ: وزارت اوقاف و شئون اسلامی مراکش، ۲۰۰۷.

نتیجه گیری

دسته بندی های بیان شده درباره عناصر تأثیرگذار بر تهرنگ مساجد مراکشی را می توان در ماتریس ذیل صورت بندی کرد:

نمودار ۱. رسم توضیحی جمع بندی یافته ها. مأخذ: نگارنده.



پی نوشت

• این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری منظر بومی مراکش» است که در سال ۹۵ و ۹۶ در پژوهشکده نظر انجام و سفر مطالعاتی آن به مقصد ۱۲ شهر مراکش در شهریور ۹۵ برگزار شد.

plan ۱.

۲. در پرس و جوهای محلی درباره دلایل تغییر این الگو چنین ذکر شد که بازوهای اضافه شده با باز کردن تمام پنجره های قدی سه ضلع آزاد خود، و در کنار دو صحن سایه گیری که دارای حوض های آب نیز هست، دارای هوایی مطبوع تر، مرطوب تر و خنک تر نسبت به بقیه فضاهای شبستانی هستند. لذا در این فضاها می توان برای ساعاتی طولانی به تعلیم و قرائت قرآن و همچنین تامل و تدبیر پرداخت.

فهرست منابع

- بروجردی، محمدحسین. (۱۳۹۰). *جامع احادیث شیعیه*، ج ۶، ترجمه: مهووری، محمدحسین و حسینی، احمدرضا. تهران: فرهنگ سبز.
- توسلی، محمد. (۱۳۷۸). نکاتی درباره معماری مساجد از دیدگاه آیات و روایات، *مجموعه مقالات همایش معماری مسجد*، ج ۲، دانشگاه هنر، اصفهان.
- علی آبادی، محمد. (۱۳۸۰). تجسم معمارانه وحدت الگوهای رفتاری شریعت در کثرت و گوناگونی فرم ها، *مجموعه مقالات دومین همایش معماری مسجد*، ج ۲، دانشگاه هنر، تهران.
- قرائتی، تقی. قرائتی، اصغر. نیاسری، عرشی. (۱۳۷۸). راهنمای طراحی مساجد، *مجموعه مقالات همایش معماری مسجد*، ج ۱، دانشگاه هنر، اصفهان.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۸). *بحار الانوار*، ج ۸۸، تهران: دارالکتب اسلامی، تهران.
- هیلن براند، روبرت. (۱۳۸۷). معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: نشر روزنه.
- Bonine, M. E (1990). The Sacred Direction and City Structure: A Preliminary Analysis of the Islamic Cities of Morocco, *Muqarnas Journal*, 7.
- Ewert, Ch. (1984). The Mosque of Tinmal (Morocco) and Some New Aspects of Islamic Architectural Typology, *Proceedings of the British Academy*, 72.
- Rius-Pinie's, M. (2015). *Qibla in the Mediterranean*, Handbook of Archaeoastronomy and Ethnoastronomy, New York: Springer Science & Business Media.
- Roser-Own, M. (2014). Andalusí Spolia in Medieval Morocco: Architectural Politics, Political Architecture. *Medieval Encounters*, 20 (2).
- Saoud, R. (2004). A Review on Architecture in Muslim Spain and North Africa (756-1500AD), *FTSC Annual Conference 2002*, FTSC Limited.
- Uddin khan, H. (1990). *The architecture of the mosque, an overview and design directions*, Expressions of Islam in Buildings, Singapore: Concept Media/Aga Khan Award for Architecture.